

تنها یک بازگویی ساده

نسیم وهابی

سرّیع زمان در تربیت ذهنی و روحی او ایجاد کرده، ناگزیر به شتاب است؛ و این در ابعاد مختلف تجلیات گوناگون دارد. حال، حوزه دید خود را محدود می‌کنیم به بخشی از شاهنامه فردوسی که از آغاز دوران پادشاهی کیکاوس تا میانه سلطنت کیخسرو را دربرمی‌گیرد. پادشاهی صد و پنجاه ساله کیکاوس، لشکرکشی‌اش به مازندران، طلب یاری از دستم، قضیه دستم و هفت خوان معروفش در راه رفتن به سوی پادشاه، بازآوردن کدوس پیروز و آغاز روایت غم‌نامه سهراب، و از پس آن داستان سیاوش و خون ریختن وی به دست دشمن، پادشاهی کیخسرو، قصه مرگ فرود، (فرزند سیاوش)، به دست دوست، و تلاش کیخسرو برای برپایی حکومتی عادل و صلحجو و دلسوز مردم.

محمود کیانوش اینهمه را در از کیکاوس تا کیخسرو با وفاداری تام به وقایع اصل اثر و ایجازی قوام یافته به نثر، باز نگاشته است. تلخیص وقایع و روایت چکیده حکایات و قصه‌ها، با ارج نهادن بر تلاش فردوسی در گزینش کلمات فارسی و رعایت اکثر مبانی نگارشی خاص سبک نثر آن دوره (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری) صورت پذیرفته است. «در شاهنامه هر جا مبنای نقل فردوسی از نثر به نظم کتب پارسی بوده، اثر لغات عربی در آنها کمتر و هر جا مبنای نقل از کتب ترجمه شده تازی به پارسی بوده است، لغات عربی بیشتر می‌باشد.»^۱ و از آنجایی که داستانهای انتخابی کتاب مبنای نقلی جز ذهن خلاق فردوسی و افسانه‌های پارسیان نداشته است، سیطره کلمات فارسی در بیان این قصه‌ها و پیروی



داستانهای «شاهنامه» از کیکاوس تا کیخسرو بازنوشته محمود کیانوش انتشارات آگاه چاپ اول: زمستان ۷۱

دغدغه وقت، مشغله‌های رنگارنگ ذهن، و کمرنگ شدن چیزی در زندگی به نام اوقات فراغت ما را از روی آوردن به رمانها یا منظومه‌های طولانی دور کرده است. لاجرم به خواندن ادیاتی می‌پردازیم که در زمانی نه چندان دراز ما را بهره‌ور سازد. حال این ادبیات منشور باشد یا منظوم، توفیری ندارد؛ چراکه سبک شعر عصر ما نیز انگیزه و ایجاز و محتوایی فراتر از اشعار خراسانی و عراقی و هندی را می‌طلبد. شعر این نسل، در قالب کنونی‌اش، می‌کوشد رها از سد قافیه و وزن و ردیف از ورطه اطناب به لزوم ایجاز دست یابد. و انسان امروز، با حرکت و پویایی که گذر

ازو امید نتیجه‌ای نمی‌تواند داشت، مانند شوره‌زار که هرچند در آن بکارند و سعی در رستن نمایند، هیچ نروید. ۷. کسی که در رزم پیشاپیش پادشاهان باشد و در بزم در پس و پشت، و در منزل پیش در، او دایم دوست داشته ایشان باشد.

۸. صاحبی که قدر خدمت بنده‌های خود نشناسد، هرچند دولت بسیار و ملک وسیع و نسب عالی و دستگاه موروثی داشته باشد، خدمت او نتواند کرد.

۹. کسی که دشمن قوی هولناک قصد او کند و او را دل قوی باشد و از جا نرود، او هرگز مغلوب نگردد.

۱۰. کسی که نیک از بد امتیاز نتواند کرد، و از دانش بی‌بهره است، از آن حیوان با گاو فرقی نیست.

و گذشته از این چند نمونه، این کتاب باز هم دارای جنبه‌های سودمند و سرگرم‌کننده است و داستانهای آن نزد عام و خاص شهرت دارد. داستانهایی که در کتاب پنجاکیانه به ترتیب در پنج فصل آورده شده‌اند:

فصل اول: درباره گسیختگی دوستی یا نفاق دوستان

فصل دوم: به دست آوردن دوستان

فصل سوم: بومان و زاغان

فصل چهارم: یافته خود را از دست دادن

فصل پنجم: کردن کار بی‌تأمل و زیان‌زدگی

هر یک از فصلها دارای حکایت‌هایی بی‌درپی و وابسته به هم است و فصلها نیز در پیوند با هم قرار دارند و مجموعه آنها کتاب را تشکیل داده است.



محمود کیانوش در بازنویسی منشور آنها، غیر قابل انکار است. نیز، وفاداری به سبک نگارش نثرنویسان آن دوران، در نثر کتاب مورد نظر حایز اهمیت است. عدم ساخت مصادر قیاسی (جعلی) از کلماتی چون جنگیدن، ترسیدن و ... استفاده از پیشوندهای افعال^۲ مثل:

- با تأکید: «تو از سپاهیان دو هزار تن بگزین و به سوی شهرمازندران بتاز^۳».

- فرو: «فرزند بیدارشو که بخت ما فرو خفته است^۴» یا «... با مستی به خواب فرورفتند^۵».

استعمال افعال به معانی متعدد^۶، مثل: «کادوس را سخنان زال خوش نیامد^۷» به معنی «مقبول نیفتاد» یا «سخنهای میاوش خرد او را نمی‌جنسباند^۸» به معنی «بر نمی‌انگیخت».

یکی دیگر از اصول سبک نگارش جملات نثر آن دوره، حذف نکردن افعال بنا به قرینه لفظی یا معنوی بوده است. به طوری که تکرار افعال متشابه در چند جمله متوالی عیب نبوده است و این رسم در دوره سامانیان تا قرن ششم نیز برقرار بوده است^۹. اما این اصل تنها در بعضی از جملات کتاب رعایت شده است که این امر سبک نگارش اثر را دچار تناقض و ناهمگونی کرده است؛ مثلاً در جایی می‌خوانیم: «آنچه ما گفتیم از سر دلسوزی گفتیم^{۱۰}» و در جایی دیگر با ساخت این جملات مواجه می‌شویم: «مرا نه پادشاه رستم کرده است نه لشکر او^{۱۱}» یا «نه از ستم پرهیز دارد نه از گناه شرم^{۱۲}» که با نگاه به ابیات مربوطه درمی‌یابیم که گاه وفاداری به ساخت شعر بر رعایت اسلوب نثرنویسی حاکم بر اثر مقدم دانسته شده است^{۱۳}.

گفتنی است که جمله با به کار بردن بجا

و مناسب صنایع گوناگون - از جمله «حذف» - پخته‌تر می‌شود، اما در متنی که فضا و حس و ساخت جملات دوره‌ای از نثرنویسی کلاسیک فارسی را دربردارد، وسواس در یکدستی ارکان متن - اعم از انتخاب واژگان، ساخت دستوری جملات و استفاده از توان خلاقه ذهن در قالبی مناسب - اثر را زیبا و استوارتر می‌سازد.

نکته دیگر، وجود پاره‌ای جملات است که ساخت و فحوایشان مفهوم استوار و دلچسب اصل اثر را برآورده نمی‌کنند؛ نظیر: «دیری نگذشت که تلاش، سرپای آنها را نمناک کرد^{۱۴}». در حالی که در اصل اثر می‌خوانیم:

چو شیران به کشتی درآویختند
ز تن‌های خود خون همی ریختند

یا «اگر او را به بند کشیده‌اند، پس سر مرا هم که گناهی نکرده‌ام از تن دور کنند^{۱۵}» که برگردان بیت زیر است:

چو کادوس را بند باید کشید
مرا بی‌گنه سر بیاید بُرید

عدم تناسب انتخاب «سر از تن دور کردن» بجای فعل «سربرییدن» کاملاً مشهود است.

سه اپیزود بازنویسته محمود کیانوش با عناوین «سیاهی، شبگیر، آفتاب» حرکتی است در جهت روایت و تطبیق ادبی موجز و صادقانه و نزدیک به ذهنتری از شاهکار فردوسی. امید که گامهای بعدی با بهره‌گیری از نگاهی نقادانه و نه صرفاً تطبیق ادبی، بلکه تطبیقی همه جانبه‌تر بر پایه شرایط اجتماعی و سیاسی قرن حاضر کامل و پویاتر گردند؛ چراکه انسان امروز مقلدی صرف از اعمال نیک و بد پیشینیان یا شنونده‌ای منفعل در شنیدن افسانه‌های کهن نیست. نسل اکنون می‌کوشد نسل عبرت و

حرکت باشد: بهره‌ور از زاد دیروز، با نگاهی به جلو، برای حرکت به فردا. پس روایت راضی‌اش نمی‌کند. حکایت نادانی پیشینیان زمانی راهگشاست که بتواند کلید شناختن نادانی خودکامان امروز گردد. افسانه رستم، حماسه انسان مؤمن به صداقت و پویایی و آزادگی است. قصه کیکاوس نقل خودکامگی است. و حکایت سهراب و فرود، داستان محوشدن انسانیت در غبار نادانی است. اینهمه در دنیای امروز به خوبی مشهود است. آنچه نباید فراموش کرد، این است که فردوسی اثرش را جاودانی آفرید و بر ماست که این جاودانگی را به اثبات برسانیم؛ که جای اینهمه در بازنویسی محمود کیانوش خالی است.

□

پانویس:

۱. خلاصه تاریخ ادبیات ایران. ج ۱، ذیح‌الله صفا، ص ۱۴۴.
۲. سبک‌شناسی. ج ۱، ملک‌الشعرا بهار، ص ۳۳۳.
۳. از کیکاوس تا کیخسرو. بازنویسته محمود کیانوش، ص ۱۸.
۴. همان. ص ۲۰۹.
۵. سبک‌شناسی. ج ۱، ص ۳۲۸.
۶. از کیکاوس تا کیخسرو. ص ۱۵.
۷. همان ص ۱۴۷.
۸. سبک‌شناسی ج ۱، ص ۳۵۵.
۹. از کیکاوس تا کیخسرو، ص ۱۶.
۱۰. همان ص ۵۴.
۱۱. همان ص ۱۸۹.
۱۲. اصل بیت عبارت است از: تو دانی که سالار توران سپاه نه پرهیز دارد نه ترس از گناه.
۱۳. از کیکاوس تا کیخسرو. ص ۶۸.
۱۴. همان. ص ۳۲.

